

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۲۶ دی ۱۴۰۱

موضوع جزئی: آیه ۴۸- بخش سوم - روایات دال بر شفاعت پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع)

مصادف با: ۲۳ جمادی الثانی ۱۴۴۴

جلسه: ۲۱

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین

خلاصه جلسه گذشته

عرض شد بر اساس روایات، کسانی که مشمول شفاعت قرار می‌گیرند، اهل کبائر از شیعیان و غیر شیعیان و حتی پیروان توحید - ولو از ادیان دیگر - هستند. ولی گفتیم اگر بخواهد شفاعت شامل غیر شیعیان شود، شروط و اموری باید وجود داشته باشد. اینکه مثلاً اهل ظلم و به خصوص ظلم بر امیرالمؤمنین(ع) و ذریه پیامبر(ص) نباشند. ظلم از مواردی است که مخصوصاً در اینجا اگر نسبت به ذریه رسول خدا(ص) به معنای عام صورت گرفته باشد، مانع از شمول شفاعت است. البته شروط ایجابی هم بعضاً دخیل است در شمول شفاعت نسبت به غیر شیعیان، چه مخالفین و چه کسانی که پیروان ادیان دیگر محسوب می‌شوند. اینکه شرک نداشته باشند، ظالم نباشند، اینها امور سلبی است. یک سری امور ایجابی هم ذکر شده است؛ اینکه برای رفع حوائج دیگران تلاش کنند، اهل صدق باشند، اینها اموری است که اجمالاً از روایات استفاده می‌شود.

روایات دال بر شفاعت پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع)

روایاتی هم درباره شافعان وارد شده است. ما قبلاً به استناد آیات و تفسیر آنها، گروه‌ها و اصناف مختلف شفاعت کنندگان را ذکر کردیم. برخی صرفاً در دنیا شفیع محسوب می‌شود، برخی هم در دنیا و هم در آخرت، برخی صرفاً در آخرت شفیع محسوب می‌شوند. آنجا ما هر سه دسته را به استناد آیات بیان کردیم، لکن در مورد شخص رسول خدا(ص) و ائمه معصومین(ع)، روایاتی وارد شده که این روایات با وضوح و حتی به صراحت، شفاعت پیامبر و اهل بیت پیامبر(ع) را بیان کرده است.

۱. شفاعت پیامبر(ص)

در مورد رسول خدا(ص) روایات فراوانی داریم، از خود رسول خدا(ص) هم به نحو کلی این مطلب نقل شده و هم به همراه اینکه شفاعت پیامبر شامل چه کسانی می‌شود.

۱. در روایتی از امیرمؤمنان(ع) نقل شده: «قَالَتْ فَاطِمَةُ(ع) لِرَسُولِ اللَّهِ(ص) يَا أَبَتَاهُ أَيْنَ أَلْفَاكَ يَوْمَ الْمَوْفِقِ الْأَعْظَمِ وَ يَوْمَ الْأُحْوَالِ وَ يَوْمَ الْفَرَجِ الْأَكْبَرِ»، فاطمه دختر رسول خدا به پدرش عرض کرد: من کجا شما را در روز موقف اعظم و... چندتا از اوصاف قیامت را که معلوم است این اوصاف بسیار موحش است؛ یکی موقف اعظم، یعنی توقف طولانی، خود این

آزاردهنده است. یوم الاهوال، روزی که هولها بر انسان وارد می‌شود؛ یوم الفزع الاکبر، روز فزع اکبر که این فزعها و جزعهای دنیا در برابر آن اصغر محسوب می‌شوند؛ فزع اکبر در آن روز اتفاق می‌افتد. این سه وصف از اوصاف قیامت که به هر حال بسیار موحش، نگران کننده و واقعاً شدت استیصال انسان را می‌رساند و اینکه انسان به کمک دیگران نیاز دارد. «قَالَ (ص) يَا فَاطِمَةُ (ع) عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ وَمَعِيَ لُؤَاءُ الْحَمْدِ وَ اَنَا الشَّفِيعُ لِأُمَّتِي إِلَى رَبِّي»، من شفیع امتم به سوی پروردگارم هستم؛ «قَالَتْ يَا أَبَتَاهُ فَإِنْ لَمْ أَلْتَكِ هُنَاكَ»، اگر آنجا شما را ندیدم چه؟ «قَالَ الْقَيْنِي عَلَى الْحَوْضِ»، مجدداً سؤال می‌کند که اگر آنجا شما را ندیدم چه؟ «قَالَ الْقَيْنِي عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ أَمْنَعُ شَرَّهَا وَ لَهَبَهَا عَنْ أُمَّتِي فَاسْتَبَشَّرَتْ فَاطِمَةُ بِذَلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا وَ عَلَى أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا»^۱ چند مرحله این شفاعت صورت می‌گیرد که آخرین آن، آنجایی است که شخص می‌خواهد در آتش افکنده شود و پیامبر (ص) می‌فرماید من در آنجا شراره‌های آتش و زبانه‌های آتش را از امتم منع می‌کنم. این خیلی واضح و روشن بر این مسأله دلالت می‌کند.

۲. در روایتی از علی بن ابی حمزه وارد شده است که: «قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنَّ لَنَا جَاراً مِنَ الْخَوَارِجِ يَقُولُ إِنَّ مُحَمَّدًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ هَمُّهُ نَفْسُهُ فَكَيْفَ يَشْفَعُ»، می‌گوید ما همسایه‌ای داریم که از خوارج است و می‌گوید خود محمد در روز قیامت تمام همش خودش است، یعنی خودش در آنجا گیر است؛ چگونه می‌خواهد از دیگران شفاعت کند؟ «فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَا أَحَدٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ إِلَّا وَ هُوَ يَحْتَاجُ إِلَى شَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ (ص) يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲.

۳. رسول خدا (ص) در روایت دیگری می‌فرماید: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَرْبَعَةٌ أَنَا لَهُمْ شَفِيعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»، چهار گروه هستند که من شفیع آنها در روز قیامت محسوب می‌شوم؛ «الْمُكْرَمُ لِدُرِّيَّتِي»، کسی که به ذریه من اکرام کند، «وَ الْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجَهُمْ وَ السَّاعِي فِي أُمُورِهِمْ مَا اضْطَرُّوا إِلَيْهِ وَ الْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ عِنْدَ مَا اضْطَرُّوا»^۳. کسی به ذریه من اکرام کند، برای قضاء حوائج آنها تلاش کند، وقتی که گرفتار می‌شوند و اضطرار پیدا می‌کنند در امور آنها ساعی باشد، وقتی که اضطرار پیدا می‌کنند محبت قلبی و لسانی نسبت به آنها داشته باشد.

۲. شفاعت امیر المؤمنین (ع)

در مورد امیر المؤمنین (ع) هم روایات فراوانی داریم که قطعاً امیر المؤمنین (ع) جزء شفیعان است.

۱. «عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ النَّبِيُّونَ وَ الصَّادِقُونَ وَ بَابٌ يَدْخُلُ مِنْهُ الشُّهَدَاءُ وَ الصَّالِحُونَ وَ خَمْسَةٌ أَبْوَابٌ يَدْخُلُ مِنْهَا شِيعَتُنَا وَ مُحِبُّونَا فَلَا أَزَالَ وَاقِفًا عَلَى الصَّرَاطِ أَدْعُو وَ أَقُولُ رَبِّ سَلِّمْ شِيعَتِي وَ مُحِبِّي وَ أَنْصَارِي وَ مَنْ تَوَالَانِي فِي دَارِ الدُّنْيَا فَإِذَا النَّدَاءُ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكَ وَ شَفَعْتَ فِي شِيعَتِكَ»، معنای روایت روشن است؛ می‌فرماید بهشت هشت در دارد، که یک در برای پیامبران و صدیقین، یک در برای شهدا و صالحین، و پنج در که

۱. بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۵.

۲. همان، ص ۴۲.

۳. همان، ص ۴۹.

شیعیان و محبین ما وارد می‌شوند؛ حضرت آنجا ایستاده و در حق شیعیان دعا می‌کند و از خدا می‌خواهد، و خدا هم در جواب می‌فرماید دعوت تو اجابت شد.

۲. در مورد امیرالمؤمنین(ع) روایات فراوان است، مخصوصاً روایتی که در مورد صدای دق الباب بهشت وارد شده که وقتی دق الباب می‌شود صدای یاعلی می‌دهد، مرحوم علامه طباطبایی به نقل از برخی از شاگردانشان^۱ توضیحی در این مورد داده‌اند که سر اینکه صدای دق الباب بهشت یاعلی است، این است که برای ورود مهمان بر میزبان آدابی وجود دارد. کسی که می‌خواهد مهمان کسی شود، بالاخره باید آدابی را رعایت کند؛ حالا نه مهمان به معنای خاص، هر کسی می‌خواهد وارد خانه دیگری شود، اولین ادب این است که بدون اجازه نشود و در خانه را بکوبد و صاحب خانه را صدا کند؛ یعنی برای ورود اجازه بگیرد. اینکه می‌گوید صدای دق الباب بهشت یاعلی است، نه اینکه دری باشد که چنین صدایی از آن برخیزد، بلکه به این معناست که مهمان با این صدا دق الباب می‌کند؛ یعنی کأن مهمان وقتی می‌خواهد وارد شود، با این بیان، صاحب‌خانه و میزبان را صدا می‌کند و این حاکی از آن است که صاحب بهشت، امیرالمؤمنین است و کلید اصلی ورود به بهشت، ولایت امیرالمؤمنین است. البته اینکه می‌گوییم کلید اصلی ورود به بهشت، ولایت امیرالمؤمنین است، همانطور که جلسه گذشته عرض کردم بدین معنا نیست که غیرشیعیان به بهشت نمی‌روند یا غیرشیعیان مشمول شفاعت قرار نمی‌گیرند؛ بله، شفاعت به معنای عام برای شیعیان است، اما مراتب دیگری از شفاعت برای غیرشیعیان هم ثابت است و بلکه برای موحدان از پیروان ادیان دیگر. اجمالاً اشاره‌ای به این مسأله شد.

روایاتی که مسأله شفاعت امیرمؤمنان را بیان می‌کند، روایات فراوانی است.

۳. شفاعت سایر ائمه(ع)

برخی روایات هم اشاره به شفاعت سایر ائمه معصومین(ع) دارد. در این باره روایات متعددی قابل ذکر است.

۱. مثلاً این روایت که در محاسن برقی وارد شده است: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ(ع) قَوْلُهُ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ أَمْ مَنْ هُمْ قَالَ نَحْنُ أَوْلِيَاكَ الشَّافِعُونَ».^۲ سؤال از آیه ۲۵۵ سوره بقره شده که منظور چه کسی است؛ حضرت فرمود کسانی که آیه به آنها اشاره دارد، ما هستیم.

۲. در روایت دیگری که در همین رابطه وارد شده، «عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ(ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ قَالَ صَوَاباً^۳ قَالَ نَحْنُ وَ اللَّهُ الْمَادُونُ لَهُمْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ الْقَائِلُونَ صَوَاباً قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ مَا تَقُولُونَ قَالَ نَمَجِّدُ رَبَّنَا وَ نُصَلِّي عَلَى نَبِيِّنَا وَ نَشْفَعُ لِشِيعَتِنَا فَلَا يَرُدُّنَا رَبَّنَا».^۴ پروردگار هم ما را رد

۱. تفسیر تسنیم، ج ۴، ص ۲۹۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۸، ص ۴۱.

۳. سوره نبأ، آیه ۳۸.

۴. بحار الأنوار، ج ۸، ص ۴۱.

نمی‌کند. تعبیر به اینکه شفاء ما هستیم، در روایات بسیاری ذکر شده است. به نظر می‌رسد که همین مقدار برای این منظور کافی باشد.

«والحمد لله رب العالمین»